

عنوان مقاله:

جایگاه اجتهاد در تفسیر روای الدر المنثور

محل انتشار:

پژوهش نامه نقد آراء تفسیری، دوره 4، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

مهدی آذری فرد - دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مصطفی عباسی مقدم - دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

خلاصه مقاله:

ازجمله شیوه های تفسیر قرآن تفسیر روایی است. این که تفاسیر روایی، خالی از هرگونه اجتهاد و بهره گیری مفسر از عقل هستند یا خیر، سبب شده است تا برخی علماء این صنف از تفاسیر را به دو گونه روایی محض و اجتهادی روایی تقسیم بندی کنند. الدر المنثور اثر سیوطی مفسر و محدث اهل سنت، ازجمله تفاسیر روایی قرآن محسوب می گردد. این تفسیر توسط برخی مفسران و تفسیرپژوهان معاصر، در دسته تفاسیر «روایی محض» قلم داد شده است. این که مفسر در الدر المنثور صرفاً از روایات در تفسیر آیه بهره برده یا زمینه های اجتهاد و بهره گیری از عقل نیز در آن دیده می شود؟ پرسش اصلی این پژوهش است. جستار فراروی در پی پاسخ به این پرسش، با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد نقادانه، ضمن بررسی الدر المنثور، به این نتیجه رسیده است که به رغم آنکه این تفسیر از سوی برخی مفسران و تفسیرپژوهان معاصر در دسته تفاسیر روایی محض قرار گرفته، اما شواهدی از تأثیر پیش دانسته های فکری و بهره گیری مفسر از عقل در ذکر اسناد برخی روایات، اظهار نظر درخصوص وضعیت سندی برخی روایات، تأثیرگذاری گرایش های کلامی مفسر در انتخاب و چینش برخی روایات، گزینش برخی روایات از منابع مورد استفاده و نیز بیان دیدگاه های حدیثی رجالی برخی علماء درباره روایت و راوی، سبب می شود تا بتوان الدر المنثور را در دسته تفاسیر اجتهادی روایی جای داد، هرچند مفسر در تبیین آیات از اظهار نظر صریح پرهیز کرده است.

کلمات کلیدی:

الدر المنثور، اجتهاد، تفسیر روایی، سیوطی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2016184>

